

کتاب دانیال — شماره یک صد و هشتاد

تقاطع نبوی روم، مکابیان، اور موجوده زمانه: دانی ایل کے رویاؤں میں ایک مطالعہ

Jeff Pippenger

2024-04-10

اوریا اسمیت نوشت: «روم از راه اتحاد، در سال ۱۶۲ پیش از میلاد با قوم خدا، یعنی یهودیان، پیوند یافت.» بیشتر مورخان معاصر این تاریخ را ۱۶۱ پیش از میلاد ثبت می‌کنند، و اسمیت نیز در همان کتاب دو بار به ۱۶۱ پیش از میلاد اشاره می‌کند. فرض من این است که این اشاره به ۱۶۲ پیش از میلاد، خطای چاپی است.

«آیات ۲۳ و ۲۴ ما را از آن‌سوی پیمان میان یهودیان و رومیان، در سال ۱۶۱ پیش از میلاد، به زمانی فرود می‌آورند که روم فرمانروایی جهانی را به دست آورده بود.» — اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۲۷۳.

آیات یازده و دوازده، پیروزی و پیامدهای نبرد رافیا را مشخص می‌کنند؛ نبردی که در سال ۲۱۷ پیش از میلاد، میان امپراتوری سلوکی به رهبری آنتیوخوس سوم کبیر و پادشاهی بطلمیوسی مصر به رهبری پادشاه بطلمیوس چهارم فیلوباتور روی داد.

نبرد پانیوم، که هفده سال بعد، در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، رخ داد، بار دیگر میان پادشاهی سلوکی و پادشاهی بطلمیوسی بود.

شورش مکابیان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد آغاز شد و قیام یهودیان علیه تلاش‌های امپراتوری سلوکی برای سرکوب اعمال دینی یهود و تحمیل فرهنگ یونانی بود.

بازیافت تقدیس هیکل دوم در اورشلیم، که رویداد تاریخی گرامی‌داشته‌شده در ایام حنوکا را رقم می‌زند، در سال ۱۶۴ پیش از میلاد رخ داد، سه سال پیش از «اتحاد» مذکور در آیه بیست‌وسه. این رویداد در پی لشکرکشی نظامی موفق مکابیان بر ضد نیروهای امپراتوری سلوکی، به رهبری آنتیوخوس چهارم اپیفانس بدنام، که هیکل را نجس ساخته و اعمال دینی یهود را ممنوع کرده بود، به وقوع پیوست. آنتیوخوس چهارم اپیفانس اندکی پس از آن پیروزی‌ای که حنوکا یادبود آن است درگذشت، و این امر از آن مقطع به بعد در تاریخ، آغاز افول قدرت سوریه را نشان می‌دهد.

در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، (که هم‌زمان با نبرد پانیوم نیز بود)، روم برای نخستین بار خود را در تاریخ نبوی باب یازدهم دانیال وارد کرد. در آنجا نمادی وجود دارد که رؤیا را تثبیت می‌کند. تأثیر هدفمند آن در آن تاریخ، کار ایزابل را شناسایی می‌کند؛ نماد کلیسایی که از پشت صحنه رشته‌ها را می‌کشد. ایزابل در سامره بود، هنگامی که شوهرش اخاب نظاره می‌کرد که انبیای او به دست ایللیا کشته می‌شوند. هیرودیا در جشن تولد هیرودیس حضور نداشت، جایی که دخترش سالومه هیرودیس را افسون کرد. در تاریخ ایالات متحده، پاپیت که به‌وسیله فاحشه صور نمایانده شده است، تا پایان هفتاد سال نمادین، به فراموشی سپرده می‌شود. سپس او آغاز می‌کند که سرودهای فریب خویشت را برای پادشاهان زمین بسراید. سال ۲۰۰ پیش از میلاد، نمونه‌ای از زمانی است که او در ایام آخر آشکارا برای پادشاهان سرود می‌خواند، درست پیش از قانون یک‌شنبه که به‌زودی خواهد آمد، چنان‌که در آیه شانزدهم به تصویر کشیده شده است.

پیش از «اتحاد» یهودیان در سال‌های ۱۶۱ ق.م. تا ۱۵۸ ق.م.، مکابیان معبد را، چنان‌که در حنوکا در سال ۱۶۴ ق.م. یادبود آن برگزار می‌شود، دوباره تقدیس کردند. سپس سه سال بعد، در حالی که هنوز در

کشمکشی ادامه‌دار با سوریان بودند، یهودیان مکابی برای جلب پشتیبانی به روم روی آوردند. «اتحادی» که آنگاه با روم شکل گرفت، به آزمونی نبوی برای شاگردان نبوت خدا در ایام آخر بدل می‌شود.

تاریخ، سال 161 قبل از میلاد را به‌عنوان زمانی که «عهد» واقع شد مشخص می‌کند، اما پیشگامان آن تاریخ را 158 قبل از میلاد معرفی می‌کنند. آیا میلر درست بود، یا مورخان معاصر درست‌اند؟ میلر ششصد و شصت و شش سال (666) را به سال 158 قبل از میلاد افزود و به سال 508 رسید، زمانی که «قربانی دائمی» برداشته شد. هرچه جست‌وجو کنید، یافتن پشتوانه‌ای تاریخی برای 158 قبل از میلاد به‌عنوان تاریخ آن عهد میان یهودیان و رومیان، بسیار دشوار خواهد بود، اگر نگوئیم عملاً ناممکن.

آیه شانزدهم شریعت یکشنبه است، اما پیش از آن در آن تاریخ، روم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد وارد صحنه تاریخ می‌شود تا رؤیا را استوار سازد. شورش مکابیان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد در مودین آغاز شد، و سرانجام آنان در سال ۱۶۴ پیش از میلاد معبد را دوباره تقدیس کردند. سپس از ۱۶۱ پیش از میلاد تا ۱۵۸ پیش از میلاد، یهودیان با قدرت روم داخل عهدی می‌شوند. سال‌های ۱۶۱ پیش از میلاد تا ۱۵۸ پیش از میلاد نمایانگر دوره‌ای از زمان است که برای استوار ساختن «اتحاد» لازم بود. این برداشت، «اتحاد» را در توافق با شهادت مورخان، و نیز با آن جدولی که به هدایت دست خداوند ترسیم شد و نباید دگرگون گردد، شناسایی می‌کند.

مورخان به ما اطلاع می‌دهند که فرایند مذاکره برای انعقاد معاهدات میان دولت‌های باستانی، همچون یهودا و روم در سده دوم پیش از میلاد، بسته به اوضاع و احوال خاص، تشریفات دیپلماتیک، و موازنه‌های قدرت دخیل، متفاوت بود. معمولاً این فرایند با آن آغاز می‌شد که یکی از طرفین علاقه خود را به برقراری معاهده یا اتحادی با طرف دیگر ابراز می‌کرد. در مورد یهودا و روم، یهودا تماس با روم را آغاز کرد تا اتحادی رسمی را پیشنهاد کند.

برای انتقال این پیشنهاد و آغاز مذاکرات، از مجاری دیپلماتیک استفاده می‌شد. این امر ناگزیر مستلزم اعزام سفیران یا فرستادگانی به روم بود تا با رهبران یا نمایندگان آن دیدار کنند. هنگامی که مذاکرات آغاز می‌شد، هر دو طرف درباره مفاد عهدنامه پیشنهادی گفت‌وگو می‌کردند. این امر می‌توانست شامل مجموعه‌ای از دیدارها، تبادل پیام‌های دیپلماتیک، و احتمالاً مشارکت واسطه‌ها یا میانجیانی برای تسهیل گفت‌وگوها باشد. در جریان مذاکرات، هر طرف مفادی را که طرف دیگر پیشنهاد می‌کرد بررسی می‌نمود و ممکن بود پیشنهادهای متقابل ارائه دهد یا در پی اصلاح برخی مفاد برآید. این فرایند می‌توانست مستلزم deliberation دقیق، مشورت با مشاوران، و ارزیابی مزایا و معایب بالقوه عهدنامه پیشنهادی باشد.

اگر هر دو طرف بر سر مفاد معاهده به توافق می‌رسیدند، سندی رسمی تهیه می‌شد که شرایط و ضوابط مورد توافق هر دو جانب را تبیین می‌کرد. سپس لازم بود که معاهده به تصویب مراجع ذیصلاح هر یک از دو ملت برسد. در مورد روم، این امر ممکن بود مستلزم تأیید سنا یا دیگر نهادهای حاکم باشد. به همین‌سان، در یهودا نیز معاهده به احتمال زیاد نیازمند تصویب رهبری یا شورای حاکم آن بود. پس از تصویب، معاهده به اجرا گذاشته می‌شد و از هر دو طرف انتظار می‌رفت که به مفاد آن پایبند باشند. این امر ممکن بود شامل آشکال گوناگون همکاری، پیمان‌های دفاع متقابل، روابط تجاری، یا دیگر گونه‌های تعامل دیپلماتیک تصریح‌شده در معاهده باشد.

در قرن دوم پیش از میلاد، سفر از یهودیه (واقع در منطقه مدیترانه شرقی) به روم (واقع در مرکز ایتالیا) کاری دشوار و زمان‌بر می‌بود، به‌ویژه با توجه به محدودیت‌های شیوه‌های حمل‌ونقل در عهد باستان. فاصله میان یهودیه و روم، بسته به مسیر مشخصی که انتخاب می‌شد، تقریباً ۱,۵۰۰ تا ۲,۰۰۰ کیلومتر (۹۳۰ تا ۱,۲۴۰ مایل) است. در روزگار باستان، سفر دریایی غالباً از سفر زمینی سریع‌تر و

کارآمدتر بود، اما سفر دریایی تابع بادہای غالب بود۔ سفر با کشتی از بندری در یهودیہ بہ بندری در ایتالیا (مانند اوستیا، بندر روم) می‌توانست چندین ہفتہ بہ طول انجامد، بستہ بہ عواملی چون وضعیت باد، جریان‌ہای دریایی، و نوع کشتی مورد استفادہ۔

سفر بری از یهودیہ تا روم کندتر و دشوارتر می‌بود۔ مسافران ناگزیر بودند از زمین‌ہای گوناگون، از جملہ کوہ‌ہا، درہ‌ہا و رودہا، عبور کنند و با موانعی همچون راہزنان و سرزمین‌ہای خصمانہ دست‌وپنچہ نرم نمایند۔ برآورد می‌شود کہ سفر با پای پیادہ یا با ارابہ‌ای کہ اسب آن را می‌کشید، ممکن بود چندین ماہ بہ طول انجامد۔ مدت زمان سفر همچنین از عواملی مانند وضعیت راہ‌ہا، در دسترسی بودن اقامتگاہ‌ہا و توقفگاہ‌ہای استراحت، و نیز نیاز بہ استراحت و تجدید آذوقہ در طول مسیر تأثیر می‌پذیرفت۔

وقتی یہودیان مکابی در پی بستن اتحادی با روم برآمدند، ناگزیر می‌بایست سفیرانی بہ روم اعزام می‌کردند۔ ہنگامی کہ آن سفیران از سوی مقامات رومی پذیرفتہ می‌شدند، دورہ‌ای از مذاکرہ در پی می‌آمد۔ بر پایہ نظریہ تاریخی، زیرا هیچ گزارش دقیق و مشخصی در دست نیست، پس از آنکہ پیمان بہ‌طور رسمی منعقد می‌شد، لازم بود برای تأیید بہ یهودیہ بازگردانہ شود، و سپس بہ احتمال زیاد می‌بایست بار دیگر بہ روم بازگردانہ شود تا پذیرش آن از سوی یہودیان تأیید گردد۔ تقریباً محال است بتوان باور کرد کہ فرایند شکل‌گیری یک اتحاد در آن دورہ زمانی در ظرف یک سال بہ انجام رسیدہ باشد؛ ازاین‌رو این برداشت کہ «اتحاد» نمایانگر فرایندی از ۱۶۱ ق.م. تا ۱۵۸ ق.م. است، با دیگر خطوط نبوت کہ تاریخی را مشخص می‌کنند کہ بہ قانون یکشنبہ در آیہ شانزدہم منتهی می‌شود، سازگار است۔

یک «اتحاد» کہ ہمہ مورخان بر این اتفاق نظر دارند کہ بہ ابتکار یہودیان مکابی پدید آمد، در سال ۱۶۱ پیش از میلاد در یهودیہ آغاز شد۔ هدف از آن این بود کہ یہودیان در برابر سوریانی کہ از زمان آغاز شورششان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد با آنان درگیر بودند، پشتیبانی بہ دست آورند۔ این شورش بر اثر کوشش‌ہای متتیا، کاہن یہودی، و پنج پسر او، بہ‌ویژہ یہودا مکابی، برای مقاومت در برابر سیاست‌ہای ہلنی‌سازی تحمیل‌شدہ از سوی فرمانروای سلوکی، آنتیوخوس چہارم اپیفانس، شعلہ‌ور شد۔ این سیاست‌ہا شامل تلاش برای سرکوب آیین‌ہای دینی یہود و واداشتن آنان بہ پذیرش آداب و عقاید یونانی بود۔

محرک اس بغاوت کا آغاز موضع مودیعیین کے ایک واقعے سے ہوا، جہاں متتیا نے ایک یونانی معبود کے لیے قربانی پیش کرنے کے فرمان کی تعمیل سے انکار کر دیا۔ "مودیعیین" عبرانی لفظ "מדי'א" (modi'a) سے ماخوذ ہے، جس کے معنی ہیں "اعلان کرنا" یا "احتجاج کرنا"۔ اپنے احتجاج میں متتیا نے ایک یہودی مرتد کو، جو قربانی ادا کرنے ہی والا تھا، قتل کر دیا، اور پھر وہ اس کے بیٹے پہاڑوں کی طرف نکل گئے، یوں سلوقی افواج کے خلاف گوریلا جنگ کی ایک مہم کا آغاز ہوا۔ مکابی بغاوت کئی برس تک جاری رہی، جس کے دوران مکابیوں نے سلوقیوں اور ان کے حلیفوں کے خلاف متعدد معرکوں میں حصہ لیا۔ اگرچہ وہ تعداد اور سازوسامان دونوں کے اعتبار سے بہت کم تر تھے، تاہم مکابیوں نے کئی اہم فتوحات حاصل کیں۔

امپراتوری سلوکی در پی آن بود کہ دین یونان را بر یہودیان تحمیل کند، و یونانیان نمایانگر جہان‌گرایان روزہای آخرند۔ دین آنان در بیدارگرایی‌ای کہ اکنون از سوی نیروہای جہان‌گرای نظام بانکی، رسانہ‌ہای جریان اصلی، مراکز آموزشی، و از راہ درہم شکستن تمایزات ملی از طریق تحمیل مہاجرت بیگانگان غیرقانونی، بر ایالات متحدہ و جہان تحمیل می‌شود، تجلی یافتہ است۔ ہنگامی کہ انطیوخوس اپیفانس دین یونانی را بر یہودیان تحمیل می‌کرد، یہودیان بودند کہ با تلاش‌ہای او ہمکاری می‌کردند۔ مکابیان نمایانگر یک دستہ از یہودیان مرتد هستند کہ در برابر دین یونان مقاومت

می‌کردند، اما همچنین دسته‌ای دیگر از یهودیان مرتد نیز بودند که از کار تحمیل دین یونانی پشتیبانی می‌کردند.

آیت شانزدهم همان قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع است، و نیز اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش، و نبی کاذب. این تاریخچه مسبوق است به آیات سیزده تا پانزده، جایی که سه نبرد آیه چهل از آیه ده (۱۹۸۹)، آیات یازده و دوازده (جنگ اوکراین)، و نبرد پانیوم رخ می‌دهد. نبرد پانیوم نمایانگر نبردی است که در آن وحش زمینی دوشاخ بر فلسفه‌های دینی و سیاسی جهانی‌گرایان غلبه می‌یابد.

در آن نبرد، واپسین رئیس‌جمهور ایالات متحده باید با پیامدهای پیروزی پوتین و فروپاشی متعاقب آن، که در آیات یازده و دوازده به تصویر کشیده شده است، روبه‌رو شود. او برای حل‌وفصل پیامدهای ناشی از فروپاشی روسیه، با ناتو، یا سازمان ملل متحد، ائتلافی تشکیل خواهد داد، و در بستر تاریخ آن ائتلاف، سازمان ملل متحد را در نبرد پانیوم درگیر خواهد ساخت. نبرد سوم آیه چهل، همانند نبرد نخست آیه چهل خواهد بود. چنان‌که اتحاد جماهیر شوروی زیر فشار اقتصادی و نظامی ایالات متحده فروپاشید، جهانی‌گرایان سازمان ملل متحد نیز ناگزیر خواهند شد «پرسترویکا» را تکرار کنند؛ مؤلفه کلیدی تلاش‌های گورباچف برای اصلاح اتحاد جماهیر شوروی، که هرچند در نهایت به ازهم‌گسیختگی نظام شوروی و انحلال نهایی اتحاد جماهیر شوروی یاری رساند.

نبرد سوم به‌وسیله نبرد نخست به تصویر کشیده شده است، و ترامپ، آن‌گونه که با ریگان نمایانده می‌شود، از طریق فشارهای اقتصادی و نظامی، سازمان ملل متحد را به «پرسترویکا» وادار خواهد کرد، که به معنای بازسازی یا اصلاح است. این بازسازی، ایالات متحده را بر رأس نظام ده پادشاهی‌ای قرار خواهد داد که همان سازمان ملل متحد است. در آن نبرد، آنگاه پاپیت خود را به تاریخ وارد خواهد ساخت و ادعا خواهد کرد که مدافع نظامی است که ترامپ در آن هنگام در حال تسخیر آن است.

در همان تاریخ، ترامپ با یک جنگ داخلی درونی روبه‌رو خواهد شد که ناگزیر خواهد بود همان‌گونه که آبراهام لینکلن ناگزیر شد، به آن رسیدگی کند. این جنگ داخلی میان دو جناح مرتد متقابل در درون ایالات متحده خواهد بود. یک طبقه، ممثل در کسانی است که دین و فلسفه «ووک‌ایسم» را پذیرفته‌اند، یعنی جهانی‌گرایان ترقی‌خواه هر دو حزب سیاسی. طبقه دیگر («ماگا-ایسم») مدعی است که پروتستان‌های حقیقی است، هرچند در سال ۱۸۴۴ آن منصب را از دست داد.

د رئیس دِلپ د MAGA-ism له لارې استازیتوب کېږي، او پر دې گ‌مراه کونکې ادعا ولاړه ده چې گ‌واکې ری‌بن‌تینی پروتستانیت او اساسي قانون ټینگ ساتي. د Woke-ism ادعا د «مورخ‌مکې» دین، نیو ایج، او دا باور دی چې اساسي قانون باید د ټولنې د دودیزو معیارونو د موجوده حالتو له مخې تطبیق شي، نه د بنسټ اېښودونکو پلرونو د لرغونو افکارو له مخې.

متیاسیاس (ترامپ) به تلاش‌های دموکرات‌های جهانی‌گرا - ترقی‌خواه در درون ایالات متحده، چنان‌که به‌وسیله شورش‌هایی که در سال ۱۶۷ پیش از میلاد در مودین آغاز شد نمادپردازی شده است، پایان خواهد داد. سپس ترامپ تاریخ سال ۱۶۴ پیش از میلاد را تکرار خواهد کرد، هنگامی که مکابیان هیکل را بازتقدیس کردند، همان‌گونه که در بزرگداشت حنوکا یادبود می‌شود. سپس در دوره‌ای که از ۱۶۱ پیش از میلاد تا ۱۵۸ پیش از میلاد نمادپردازی شده است، ترامپ فشار نهایی برای برپا ساختن تصویر پاپیت را آغاز خواهد کرد؛ تصویری که رابطه‌ای نامشروع میان قدرت دینی و قدرت سیاسی را مشخص می‌سازد. در سال ۱۵۸ پیش از میلاد، اتحادیه به اجرا درخواهد آمد، همزمان با آنکه قانون یکشنبه به‌زودی آمدنی آیه شانزدهم به اجرا گذاشته می‌شود.

دانیال یازده نخست مشخص می‌سازد که چگونه روم از لحاظ سیاسی زمام امور را به دست می‌گیرد، و سپس دانیال همان تاریخ را تکرار کرده و بسط می‌دهد، با خطی که نشان می‌دهد روم در همان

تاریخ چگونه با قوم خدا رفتار می‌کند. از آیه شانزده تا آیه نوزده، سه مانع تسلط یافتن روم بت‌پرست بر جهان به تصویر کشیده شده است. در آیه شانزده، سوریه در سال ۶۵ پیش از میلاد به وسیله روم بت‌پرست فتح شد، و سپس یهودیه در سال ۶۳ پیش از میلاد به وسیله پومپیوس فتح گردید. آیه شانزده زمانی را مشخص می‌کند که روم می‌بایست در سرزمین جلال بایستد، و با این کار، قانون یکشنبه آیه چهل و یک همان فصل را نمونه‌وار پیش‌نگاری می‌کند.

مهم است توجه شود که تاریخ این فتح در سال ۶۳ پیش از میلاد [به موازات ۱۸۶۳]، در میانه یک جنگ داخلی که در داخل اورشلیم جریان داشت، واقع شد. اوریا اسمیت اظهار داشت: «در بازگشت پومپی از لشکرکشی‌اش علیه مهرداد، پادشاه پونتوس، دو مدعی، هیرکانوس و اریستوبولوس، برای تاج و تخت یهودیه در کشمکش بودند.»

نام‌های «هیرکانوس» و «آریستوبولوس» هر دو ریشه یونانی دارند و به‌ویژه در بستر تاریخ یهود در دوره هلنیستی و سلسله حسمونی، دارای اهمیت تاریخی‌اند. «هیرکانوس» از واژه یونانی «Hurkanos» مشتق شده است که به احتمال از واژه «hurkan» گرفته شده، واژه‌ای که در زبان فارسی به معنای «گرگ» است. هیرکانوس نامی بود که چند تن از فرمانروایان حسمونی آن را بر خود داشتند. «آریستوبولوس» به معنای «بهترین مشاور» یا «بهترین رایزن» است. آریستوبولوس نیز نامی بود که چند تن از فرمانروایان حسمونی آن را بر خود داشتند. هر دو نام «هیرکانوس» و «آریستوبولوس» با شخصیت‌های برجسته‌ای در تاریخ یهود در دوره حسمونی پیوند دارند. آنان فرمانروایانی بودند که در اداره و گسترش پادشاهی حسمونی در یهودیه نقش‌های مهمی ایفا کردند. نسل‌ها و نمایندگان نبوتی پادشاهی حسمونی در زمان مسیح، فریسیان بودند.

هنگامی که پومپه اورشلیم را فتح کرد، دو حزب سیاسی هر دو خاستگاه خود را به دوران شورشی بازمی‌گرداندند که مودین در سال ۱۶۷ پیش از میلاد نماینده آن بود. چون پومپه به درون این شورش کشیده شد، تصمیم گرفت اورشلیم را تصرف کند؛ و حزب سیاسی اریستوبولوس مصمم شد در برابر او مقاومت کند، اما حزب هیرکانوس مصمم شد دروازه‌ها را به روی پومپه بگشاید. سپس پومپه حمله خود را بر ضد اورشلیم آغاز کرد، و سه ماه بعد اورشلیم برای همیشه تحت حاکمیت روم قرار گرفت.

در آیه نوزدهم، مصر، سومین و آخرین مانع، به دست روم گرفته شد. سپس در آیه بیستم، ولادت مسیح مشخص می‌شود، زیرا دانیال آغاز می‌کند تا بیان دارد که روم در آن تاریخ چگونه با قوم خدا رفتار می‌کرد. در آیات بیست و یک و بیست و دو، مسیح مصلوب می‌شود. در آیه بیست و سه، اتحادی که در سال‌های ۱۶۱ ق.م. تا ۱۵۸ ق.م. آغاز شد، بلافاصله پس از آیتی مشخص می‌شود که صلیب را توصیف می‌کنند، جایی که یهودیان مرتد اعلام کردند که «پادشاهی جز قیصر نداریم.» خط یهودیان مرتد، که به وسیله مکابیان نمایانده شده‌اند، و در برابر نفوذ فلسفه دینی یونان مقاومت کرده بودند و بدین‌سان رابطه‌ای نامقدس با روم برقرار کرده بودند، پس از آیه‌ای می‌آید که تاریخ صلیب را مشخص می‌سازد؛ جایی که ثمره رابطه نامقدس ایشان به طور کامل آشکار شد.

شکینه هرگز به معبدی که پس از هفتاد سال اسارت بنا شد، بازنگشت. آخرین شهادت نبوی، که به وسیله ملاکی اعلام شد، در حدود میانه قرن پنجم پیش از میلاد داده شد. تا پیش از آنکه مکابیان در برابر نفوذ یونانی جهان‌گرایانه برخیزند، برای صدها سال نه حضور مرئی خدا وجود داشت و نه هیچ شهادت نبوی. در آغاز قیام خود، آنان دقیقاً همان شورشی را به انجام رساندند که هم بطلمیوس و هم پادشاه عزیّا کوشیده بودند انجام دهند، آنگاه که هر دو پادشاه در پی آن بودند که نقش کاهن را ایفا کنند و در معبد قربانی تقدیم نمایند.

یوناتان آفوس (که با نام یوناتان مکابی نیز شناخته می‌شود)، یکی از پسران متاتیاس بود که قیام مکابیان را آغاز کرد، و او در رهبری شورش یهودیان علیه امپراتوری سلوکی نقش مهمی ایفا کرد. پس

از مرگ برادرش، یهودا مکابی، در میدان نبرد، یوناتان رهبری نیروهای مکابی را بر عهده گرفت. افزون بر رهبری نظامی و سیاسی، یوناتان همچنین منصب کاهن اعظم را نیز بر عهده گرفت و به عنوان رهبر روحانی قوم یهود خدمت کرد. نقش دوگانه یوناتان، هم به عنوان رهبر و هم به عنوان کاهن اعظم، تحولی مهم در تاریخ یهود به شمار می‌رفت، زیرا اقتدار سیاسی و دینی را هر دو در درون دودمان حشمونی متمرکز ساخت. رهبری او به تقویت خودمختاری یهودیان و استقرار حاکمیت حشمونیان در یهودیه یاری رساند.

همان گناهی که بطلمیوس پس از پیروزی رافیا در پی ارتکاب آن بود، در همان آغاز شورش مکابیان به انجام رسید. این همان گناهی بود که کاهنان در زمان پادشاه عزیا در برابر آن ایستادگی کردند؛ اما دفاع ادعایی مکابیان از خدمات معبد خدا، جلوه‌ای گمراه و سرکش از امتزاج کلیسا و دولت بود، و از این رو، نمونه‌وار بیانگر شورش پروتستانتیسم مرتد است که اکنون در حمایت از ترامپ، در برابر پیشروی‌های بیدنی جهانی‌گرایانه و ووک، در حال بسیج شدن است.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایشان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت؛ و فریسیان در زمان مسیح، واپسین بقایای سلسله حشمونی بودند که با متاتیا آغاز شد. متاتیا، و شورشی که او آغاز کرد، میوه‌های فریسی‌گری را به بار آورد؛ همچنان که پروتستان‌های مرتد پشتیبان مفهوم «America Again» نیز همان میوه‌ها را به بار می‌آورند. آمریکا زمانی عظیم بود که قانون اساسی چنان فهمیده می‌شد که کلیسا و دولت را از یکدیگر جدا نگه دارد؛ اما در آن معجزه جعلی که با پیروزی یادبود گرفته شده در عید حنوکا به تصویر کشیده می‌شود، جنبش قانون‌گذاری یکشنبه آشکارا ظهور خواهد کرد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«تاکنون کسانی که حقایق پیام فرشته سوم را عرضه می‌کردند، غالباً صرفاً هشداردهندگانی افراطی تلقی شده‌اند. پیشگویی‌های ایشان مبنی بر این که تعصب دینی در ایالات متحده زمام امور را به دست خواهد گرفت، و این که کلیسا و دولت برای آزار آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند با یکدیگر متحد خواهند شد، بی‌اساس و مضحک اعلام شده است. با اطمینان گفته شده است که این سرزمین هرگز جز آنچه بوده است نخواهد شد—یعنی مدافع آزادی دینی. اما هنگامی که مسئله الزام به رعایت یکشنبه به طور گسترده به بحث و تحریک افکار کشیده می‌شود، آن رویدادی که تا این مدت در آن تردید می‌شد و مورد بی‌ایمانی قرار می‌گرفت، در حال نزدیک شدن دیده می‌شود، و پیام سوم تأثیری پدید خواهد آورد که پیش از این نمی‌توانست داشته باشد.»

«در هر نسل، خداوند خادمان خود را فرستاده است تا گناه را، هم در جهان و هم در کلیسا، نکوهش کنند. اما مردم خواهان آن‌اند که سخنان خوشایند به ایشان گفته شود، و حقیقت پاک و بی‌پیرایه برای آنان پذیرفتنی نیست. بسیاری از مصلحان، هنگام آغاز کار خود، بر آن بودند که در رویارویی با گناهان کلیسا و ملت، احتیاطی بسیار به کار برند. آنان امید داشتند که به وسیله نمونه یک زندگی پاک مسیحی، مردم را به تعالیم کتاب مقدس بازگردانند. اما روح خدا بر ایشان آمد، چنان که بر ایلیا آمد، و او را برانگیخت تا گناهان پادشاهی شریر و قومی مرتد را نکوهش کند؛ از موعظه بیانات صریح کتاب مقدس—تعالیمی که در ارائه آن‌ها اکراه داشتند—نتوانستند خودداری کنند. ایشان برانگیخته شدند تا با غیرت، حقیقت و خطری را که جان‌ها را تهدید می‌کرد اعلام دارند. سخنانی را که خداوند به ایشان داده بود بر زبان آوردند، بی‌آنکه از پیامدها بیم داشته باشند، و مردم ناگزیر شدند هشدار را بشنوند.»

«پس پیام فرشته سوم اعلام خواهد شد. چون زمان آن فرا رسد که با عظیم‌ترین قدرت عرضه شود، خداوند به واسطه ابزارهای فروتن عمل خواهد کرد و اذهان کسانی را که خویشان را به

خدمت او تقدیس می‌کنند، رهبری خواهد نمود. کارگران بیش از آنکه به وسیله آموزش مؤسسات ادبی شایسته گردند، به واسطه مسح روح او مهیا خواهند شد. مردان ایمان و دعا ناگزیر خواهند شد که با غیرتی مقدس به پیش روند و سخنانی را اعلام کنند که خدا به ایشان می‌بخشد. گناهان بابل آشکار خواهد شد. نتایج هولناک تحمیل مراسم کلیسا به وسیله اقتدار مدنی، نفوذهای روح‌گرایی، پیشرفت پنهان اما سریع قدرت پاپی—همه برملا خواهند شد. به واسطه این هشدارهای solemn، مردم به جنبش درخواهند آمد. هزاران هزار گوش فرا خواهند داد که هرگز سخنانی مانند این را نشنیده‌اند. با شگفتی شهادت را می‌شنوند که بابل همان کلیساست، سقوط کرده به سبب خطاها و گناهانش، و به سبب رد حقیقتی که از آسمان برای او فرستاده شده بود. چون مردم با این پرسش مشتاقانه نزد آموزگاران پیشین خود می‌روند که آیا این امور چنین است، خادمان افسانه‌ها عرضه می‌کنند و به نرمی‌ها نبوت می‌نمایند تا ترس‌های ایشان را تسکین دهند و وجدان بیدار شده را آرام سازند. اما از آنجا که بسیاری از قانع شدن به صرف اقتدار انسان‌ها سر باز می‌زنند و یک «خداوند چنین می‌فرماید» روشن طلب می‌کنند، خدمت رایج، همچون فریسیان قدیم، چون اقتدارش مورد پرسش قرار می‌گیرد، از خشم آکنده خواهد شد، و این پیام را از جانب شیطان محکوم خواهد ساخت و انبوه گناه‌دوست را برخواید انگیخت تا کسانی را که آن را اعلام می‌کنند، دشنام دهند و آزار رسانند.»

«چون این مجادله به عرصه‌های تازه گسترش می‌یابد و اذهان مردم به شریعت پایمال شده خدا معطوف می‌گردد، شیطان به تکاپو می‌افتد. قدرتی که پیام را همراهی می‌کند، تنها موجب جنون بیشتر مخالفان آن خواهد شد. روحانیان کوشش‌هایی نزدیک به فوق بشری به عمل خواهند آورد تا نور را محجوب سازند، مبادا بر گله‌های ایشان بتابد. آنان به هر وسیله‌ای که در اختیار دارند خواهند کوشید بحث و بررسی این مسائل حیاتی را فرو نشانند. کلیسا به بازوی نیرومند قدرت مدنی متوسل می‌شود، و در این کار، کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها متحد می‌گردند. هرچه جنبش اجرای اجباری یکسویه جسورانه‌تر و قاطع‌تر شود، قانون بر ضد نگاه‌داران احکام فراخوانده خواهد شد. آنان به جریمه و زندان تهدید خواهند شد، و به برخی مناصب نفوذ و نیز پاداش‌ها و مزایای دیگری پیشنهاد خواهد شد تا انگیزه‌ای برای انکار ایمانشان باشد. اما پاسخ استوار آنان این است: "خطای ما را از کلام خدا به ما نشان دهید" — همان التماسی که لوتر نیز در شرایطی مشابه مطرح کرد. آنان که در برابر دادگاه‌ها احضار می‌شوند، از حقیقت دفاعی نیرومند به عمل می‌آورند، و برخی از شنوندگان ایشان برانگیخته می‌شوند تا موضع خود را در نگاه‌داشتن همه احکام خدا اختیار کنند. بدین سان نور در برابر هزارانی نهاده خواهد شد که در غیر این صورت هرگز چیزی از این حقایق نمی‌دانستند.» The Great Controversy, 605, 606.